

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۸

مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب* (علمی- پژوهشی)

دکتر ناصر محسنی نیا

دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

با توجه به گسترش مفهوم ادبیات مقاومت در ادبیات معاصر جهان، به ویژه در ادبیات معاصر ایران و عرب و با توجه به ویژگی خاصی که این نوع و گونه ادبی در جهان معاصر و در میان انواع ادبی گوناگون جهان پیدا کرده است، در این گفتار سعی می‌شود برخی مبانی و اصول اصلی ادبیات مقاومت در جهان معاصر ایرانی و عرب تبیین شود و تا حد امکان عوامل بروز و برجسته شدن این نوع ادبی در این دو ادبیات مهم، معاصر معرفی گردد، هم چنین از بزرگان ادب مقاومت در هر یک از دو ادبیات سخن به میان آید، آنگاه، نمادها و اسطوره های مهم مورد نظر شاعران و ادیبان در بیان اندیشه های خود در این نوع مهم ادبی به طور مختصر تجزیه و تحلیل شود.

واژگان کلیدی

ادبیات مقاومت، ادبیات معاصر، ادبیات عربی، ادبیات فارسی، نماد، اسطوره، رمز، شعر، نثر، مبانی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۷/۱ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۸۸/۹/۳۰

نشانی پست الکترونیک نویسنده: mohseninia@mail.uk.ac.ir

۱- مقدمه

دو ادبیات کهن و پرسابقه فارسی و عربی، از مهمترین ادبیات های تمدن بشری به شمار می آیند. این دو ادبیات در کلیت خود، هر نوع و گونه ادبی را در خود جای داده اند و در طول تاریخ پربار خود آن را آزموده اند. به همین دلیل، وقتی که صحبت از ادبیات مقاومت یا پایداری به عنوان یک نوع خاص ادبی به میان می آید، بی تردید، در شکل کلی و عام خود، در متون ادبی این دو زبان از گذشته تا به حال وجود داشته و در جای جای آنها، گاه به شکلی معمولی و گاه به اشکال برجسته خود را به نمایش می گذارد. قصد نگارنده در این مختصر - بررسی تاریخی و یا کامل این موضوع نیست، اما جهت مزید اطلاع کافی است نگاهی گذرا به آثار شاعران و ناثران این دو ادبیات بیندازیم. ما می توانیم نشانه های ادبیات مقاومت را تقریباً در اکثر آثار برجای مانده از این دو ادب به اشکال گوناگون و در قالب های متفاوت ملاحظه کنیم. این جلوه و بروز به گونه ای است که حتی می توان آن را در متون و آثار صوفیانه این دو ادب هم، به ویژه ادب فارسی، ملاحظه نمود. بزرگان دو ادب از قبیل فردوسی، رودکی، انوری مسعود سعد سلمان، ناصر خسرو قبادیانی، عطار، سنایی، مولوی، نظامی، خاقانی، جامی، سعدی در زبان فارسی و امری القیس، عروه بن ورد، شنفری، عمرو بن کلثوم، حطیئه، فرزذق، کمیت، دعبل، سید حمیری ابونواس، متبئی، ابوالعلاء، احمد شوقی و محمود درویش در ادب عربی، همه و همه نمونه های مثال زدنی در این رابطه هستند.

البته ادبیات مقاومت ایران در هر دوره ای ویژگی های خاص خود را دارد، همانگونه که در ادبیات عربی نیز اینگونه است. به عنوان مثال، به دنبال شکل گیری نهضت شعوبیه شاعران ایرانی در شعرهای عربی و یا فارسی خود گونه ای از ادبیات مقاومت را مطرح می کنند که بیانگر مفاد آیه شریفه: یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و اثنی و جعلناکم قبائل و شعوبا" باشد. آنگاه که حمله مغولان پیش می آید، این نوع ادبی، در آثار بزرگان ادب فارسی به دلیل طولانی شدن سیطره مغولان، جنبه عرفانی، سمبولیک و رمزی می گیرد که نمونه های برجسته آن در شعر شاعرانی چون سعدی و دیگر هم عصران و یا افراد بعد از او مشاهده می گردد. در ادب عربی نیز در دوره های مختلف جلب توجه می کند. در دوره جاهلی، به دلیل نزاعات قبیله ای و قومی، ادبیات مقاومت وجود داشته است، شعر، شعرای صعالبک همچون، عنتره، عروه، و شنفری نمایشگر همین نوع ادبی است. در نزاع های قبیله ای شعر حماسی،

عمرو بن کلثوم عتابی، نمونه دیگر آن است، و البته در دوره های بعد از عصر جاهلی، به فراخور مقتضیات زمان و احوال سیاسی و اجتماعی حاکم بر آن دوره هم، شعر و ادب مقاومت به گونه های مختلفی در شعر و ادب عربی خود را به نمایش می گذارد. این مطلب در دوره های مختلف صدر اسلام، اموی، عباسی انحطاط و به ویژه دوره معاصر فراوان به چشم می خورد.

در دوره صدر اسلام و اموی، جنگ احزاب سیاسی بر سر قدرت، (عثمانی ها، اموی ها، زیدی ها خوارج، شیعیان و...) باعث بروز نوعی از شعر شد که شاعران هر حزب و دسته طرفداران خود را به مقاومت در مقابل حزب و دسته دیگر فرا می خواندند.

در این رابطه، شاعرانی، چون، کمیت، طرمّاح بن حکیم، جریر، اخطل، فرزددق و... گروهی دیگر برجسته اند [الفا خوری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴].

موضوع ادب مقاومت در دوره های گوناگون ادب عباسی که مقارن است با دوره سبک خراسانی و بخشی از سبک عراقی، پیوسته دوام دارد. این نوع ادبی در این دوره ها، چه در ادبیات فارسی و چه در ادبیات عربی، گاه صورت های مشابهی به خود می گیرد و از مضامین مشترک و واحدی برخوردار است، گاهی نیز به دلیل تفاوت های جغرافیایی و تاریخی، صورت های خاصی به خود می گیرد. به عنوان مثال، نبردهای صلیبی گونه ای از ادبیات مقاومت را در مبنای شاعران عرب زبان آن دوره ها ایجاد کرد که در میان شاعران پارسی گوی به دلیل درگیر نبودن آنها در موضوع، مصداق خاصی پیدا نکرده است.

در باب مقاومت در برابر حمله مغولان، این موضوع در ادب فارسی و عربی مشترک است. به عنوان مثال، همانگونه که شاعران ایران مردم رابه مقاومت در مقابل مغولان تشویق می کنند، شاعران عرب، همچون صفی الدین حلّی و سراج الدین وراق و غیره نیز مخاطب عرب زبان را با شعر خود به مقاومت در برابر حمله مغولان برمی انگیزد (اسکندری، ۱۹۵۱، ص ۴۱۷).

از آنجا که موضوع اصلی این گفتار بررسی ادبیات مقاومت در ادبیات معاصر عربی و فارسی است، لذا در باب پیشینه آن به همین مقدار بسنده می کنیم و بررسی بیشتر آن را به فرصتی و گفتاری دیگر موکول می نمایم.

۲- ادبیات مقاومت یک ادبیات پیوسته زنده و فعال است

عده ای از پژوهشگران مسایل ادبی بر آنند که ادبیات مقاومت، یک ادبیات منفعل و مقطعی است که به حسب شرایط روزگار، گاهی عرصه بروز پیدا می کند و به

دنبال آرامش سیاسی و اجتماعی بار دیگر در محاق انزوا می رود و از صحنه ادب و شعر خارج می گردد.

البته، پیداست که این دیدگاه، دیدگاه درستی نیست، چرا که ادبیات مقاومت در هیچ دوره‌ای از دوره‌های تاریخی ادب یک ملت یا ملت‌های بزرگ فرونخشیده، و همواره در شعر و بیان ادبا و نویسندگان خود را بروز داده است. نهایت اینکه بسته به شرایط حاکم سیاسی و اجتماعی حاکم بر یک ملت، ادبیات مقاومت، صورت‌های بروز خود را تغییر داده و با شرایط حاکم بر جامعه، خود را هماهنگ نموده است. گاهی به صورت برجسته و تهاجمی و گاهی در قالب شعر و ادب تمثیلی و داستانی و گاه در قالب‌های دیگر، هویت خود را مشخص نموده است.

ادبیات مقاومت از آنجا که بیانگر درد و رنج‌هایی است که در برهه‌های تاریخی بر ملت‌ها و یا بخشی از آنها می‌گذرد، لذا پیوسته نمایشگر تضاد است، مرگ را در برابر حیات و آزادی را در مقابل اسارت مطرح می‌کند. بنا به گفته، استفان پسندر ناقد انگلیسی «درد و رنج و بدی از امور جدید نیستند، اگر چه در برهه‌هایی وضوح بیشتری پیدا می‌کنند» (السید نجم، ۲۰۰۵، مصر).

ادبیات مقاومت معاصر جهان عموماً "در خاورمیانه، آمریکای لاتین، ویتنام، ایرلند، بوسنی و اخیراً در افغانستان، عراق، و آسیای میانه بنا به دلایل سیاسی و تاریخی نمود بیشتری داشته است.

در جهان عرب، بخش عمده ادبیات مقاومت مربوط است به انقلابات لیبی و الجزایر به منظور آزادی از قید و بند استعمار ایتالیا و فرانسه و در مصر مربوط است به مقاومت مردم مصر در انقلاب عربی پاشا علیه ترکان عثمانی و حرکت جمال عبدالناصر در نبرد با اسرائیل و در عراق مربوط است به انقلاب ۱۹۲۰ به رهبری علمای شیعه، و در فلسطین که مهم‌ترین بخش آن است، مربوط به مقاومت فلسطین و اعراب در برابر اسرائیل و بخش قدیمی‌تر آن مربوط است به مقاومت عموم کشورهای عربی تحت سلطه عثمانی برای رهایی از سلطه عثمانی و کسب استقلال.

در دوره اخیر، شاعران عرب عموماً "شعر مقاومت را علاوه بر مقابله با اسرائیل در مقابله با حکام خود کامه و رژیم‌های وابسته کشورهای عربی به کار می‌گیرند، اقداماتی که عموماً "منجر به تبعید یا نفی بلد آنها از کشورهای محل تولد خود می‌گردد. عبدالوهاب البیاتی و گروهی دیگر از این جمله هستند. چیزی که در ایران قبل از انقلاب هم فراوان شایع بود و شاعران فراوان به دلیل مخالفت با سلسله پهلوی به

خارج از کشور تبعید یا آواره شدند، ابوالقاسم لاهوتی و گروهی دیگر از این جمله هستند.

۳- برخی زمینه های بروز ادبیات مقاومت در جهان معاصر عرب و ایران

همانطور که بیان شد، ادبیات مقاومت در سده اخیر در جهان ایران و عرب وضعیت فوق العاده ای پیدا کرده است که تقریباً "با دوره های قبل قابل مقایسه نیست. عمده ترین علل بروز این نوع ادبیات در جهان معاصر ایرانی و عربی به قرار ذیل است.

در جهان ایرانی، آشنایی ایرانیان با مظاهر تمدن و پیشرفت مغرب زمین، گسترش ارتباطات پیدایش صنعت چاپ، ایجاد مدارس و روزنامه ها و استبداد بیش از حد حکام دوره قاجاری در کنار عواملی چون نبود عدالت، آزادی، و پذیرش سلطه استعمارگران از سوی حکام قاجار، بستن قراردادهای ننگین با دول خارجی و استعماری، بی اعتنایی به خواست و اراده ملت و وقایعی چون واقعه تنباکو، به توپ بستن مجلس، جنگ های اول ایران و روس، قرارداد ۱۹۰۷، همه و همه منجر به قیام های مردمی به رهبری روحانیت گردید.

این خیزش در میان شاعران و ادیبان که خود سهم بزرگی در آن داشتند، منجر به ایجاد و شکوفایی ادبیات مقاومت در دوره مشروطه گردید که نمونه های بارزی از آن دردست است، هم چنین در عصر پهلوی استبداد حکومت پهلوی و وابستگی آن به انگلیس و آمریکا و وقایعی چون واقعه ملی شدن صنعت نفت، جنبش سیاهکل، قیام پانزده خرداد و یک سری عوامل دیگر باعث شد تا سرانجام انقلاب اسلامی ۵۷ محقق گردد. در این دوره نیز ادبیات مقاومت در اشکال مختلف ملی، مذهبی و تاریخی در شعر و ادب بزرگان فارسی گوی جلوه گر شده است.

هم چنین، دفاع از ارزش های انقلاب اسلامی در برابر بیگانگان و دفاع مردم مسلمان ایران در برابر هجوم دولت دست نشانده بعث عراق در مدت هشت سال جنگ تحمیلی، بخش مهمی از ادبیات مقاومت در سی سال اخیر را به نمایش گذاشته که بی تردید، از بهترین نمونه های آن در جهان معاصر است.

در جهان عرب نیز کم و بیش عواملی مشابه، البته با قدری تفاوت به حسب شرایط اجتماعی و تاریخی حاکم بر جهان عرب، باعث بروز پدیده ادبیات مقاومت گردیده است.

از جمله عوامل دیگر که پدیده ادبیات مقاومت را در جهان معاصر عرب باعث گردیده، مواردی از قبیل، قیام کشورهای عربی برای رهایی از سلطه عثمانی، انگلیس، فرانسه و ایتالیا، قیام مردم مصر به رهبری عربی پاشا، حرکت جمال عبدالناصر در جنگ اعراب و اسرائیل، قیام مردم عراق به رهبری روحانیت شیعه برای رهایی از استعمار انگلیس، قیام مردم فلسطین برای رهایی از اشغال صهیونیسم، قیام مردم لیبی و الجزایر برای رهایی از استعمار ایتالیا و فرانسه، مخالفت توده های عرب با حگام خود کامه خود، همه و همه از عوامل مهم در بروز ادبیات مقاومت در جهان عرب می باشند که البته اشغال فلسطین نقش محوری را در شش دهه اخیر در ایجاد این نوع ادبی در جهان عرب بازی کرده است.

۴- مراحل مهم شعر مقاومت ایران در دوره معاصر

شعر مقاومت ایران در دوره معاصر شامل چند بخش و مرحله است:

مرحله نخست، شعر مقاومت ایران در دوره مشروطیت است که ظهورشاعرانی چون ادیب المالک فراهانی، ملک الشعرا بهار، ایرج میرزا، علی اکبر دهخدا، میرزاده عشقی، عارف قزوینی، نسیم شمال، فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی و گروهی دیگر را به دنبال داشته است.

مرحله دوم شعر مقاومت ایرانی، مربوط به دوره پهلوی است که با فراز و نشیب های فراوانی همراه بوده است و در اشکال کارگری، مذهبی، ملی، حماسی و سمبولیک بروز پیدا کرده است و نمایندگان عمده آن افرادی از قبیل، سیاوش کسرائی، هوشنگ ابتهاج، فریدون مشیری، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، پروین دولت آبادی، محمدرضا شفیعی کدکنی، نعمت میرزا زاده (م. آزر) طاهره صفار زاده، علی میرفطروس و غیره هستند.

مرحله سوم، دوره انقلاب و بعد از انقلاب اسلامی ایران است که بخش عمده آن مربوط به شعر حماسه دفاع مقدس مربوط می گردد و چهره های فراوانی دارد. که حمید سبزواری، مهرداد اوستا امیری فیروز کوهی، شهریار، قیصر امین پور، علیرضا قزوه، علی معلم، مشفق کاشانی، ساعد باقری، عبدالجبار کاکایی، یوسف علی میرشکاک، نصرالله مردانی، قادر طهماسبی و گروهی دیگر از جمله آنها می باشند.

۵- عمده نمادهای شعر مقاومت ایران در دوره معاصر

نمادهای شعر مقاومت ایران در دوره معاصر، گاه در قالب کلمات مشخص و گاه در قالب اعلام خود را نشان می دهند.

به عنوان مثال، خون، خشم، جنگل، خنجر، شقایق، زخم، زندان، ستاره، فریاد، خزر، بیشه، رگبار، گلوله از مهمترین این واژه ها هستند (روزبه، ۱۳۸۶، ص ۹۶).

وجه متمایز شعر مقاومت ایران در دوره دفاع مقدس، ارائه صورتی کاملاً متعهد از ادبیات و شعر است که تقریباً "در هیچ دوره ای از ادبیات ایران نظیری برای آن متصور نیست .

اسطوره های ایرانی، همچون آرش کمانگیر، کاوه، درفش کاویانی، رستم و سهراب و شخصیت های تاریخی و اسطوره های ایرای باستان در شعر مقاومت معاصر ایران فراوان به چشم می خورند. اشعار سیاوش کسرائی، نیما یوشیج، شاملو، اخوان ثالث، سهراب سپهری، هوشنگ ابتهاج، و دیگران از این نمادها آکنده است.

و باز می توان از: سیمرخ، سنگ، سیمان، غول، نمرود، ضحاک و برخی کلید واژه های دیگر نام برد (روزبه، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴).

۶- مراحل مهم شعر مقاومت جهان عرب در دوره معاصر

۱-۶- نسل اول و پیشگام در ادب مقاومت فلسطین

این نسل بعد از عهد نامه «بالفور» (۱۹۱۷) پیدا شدند. شاید: محمداسعاف النشاشیبی اولین کسی باشد که شعر مقاومت فلسطین را در آن برهه آغاز کرده باشد. او در قصیده ای می گوید:

يافِئَةُ جُودِي بِالذَّمِّ بَدَلَ الدَّمْعِ إِنَّ رُؤْمَتَ الْبِكَاءِ

فَلَقَدْ وَلَّتْ فِلَسْطِينَ وَلَمْ يَبْقَ يَا أُخْتِ غَيْرَ الدَّمَاءِ

إِنَّ الْأَسْتِعْمَارَ قَدْ جَازَ الْمَدَى دُونَ أَنْ بَعْدُوهُ عَنِ سِيرِ عَدَاءِ

أَنْهَا أَوْطَانَكُمْ فَأَسْتَيْفِظُوا اللَّهَ لَا تَتَّبِعُوهَا لِقَوْمِ دُخْلَاءِ (احمد، ۲۰۰۳).

بیشترین اهتمام نسل اول ادبیات مقاومت فلسطین مصروف شعر شده است، البته در زمینه نثر هم افرادی چون: توفیق فیاض، سمیره غزام، محمود شقیر، هارون هاشم الرشید کارهایی ارائه کردند که در نوع خود قابل توجه و بررسی می باشند.

در انقلاب مشهور به «ثورة البراق» سال ۱۹۲۹، ابراهیم طوقان و عبدالکریم الکریمی، حرکت بزرگی را در سرودن اشعار مقاومت آغاز کردند.

شاعر شهید انقلاب فلسطین، عبد الرحیم محمود، بنیان های انقلاب عزالدین قسام را در شعر خود بنانهاد.

۲-۶- نسل دوم : نسل شکست

به دنبال شکست انقلابات فلسطین بعد از ۱۹۲۱، روحیه یأس و ناامیدی، روحیه غالب شعرای، مقاومت یعنی شعرای نسل دوم ادبیات مقاومت فلسطین گردید . شاعرانی چون «ابوسلمی» و حسن البحیری (۱۹۱۹) و هارون هاشم الرشید متولد (۱۹۲۷) از این دسته هستند.

۳-۶- نسل سوم: نسل دوره حوادث فاجعه بار بعد از دوره هزیمت و شکست

این نسل، نسل فریاد است. صداها ی بسیار بلندی در شعر وجود دارد. روحیه مقاومت را بعد از حوادث دردناک انجام شده از سوی صهیونیست ها، در ملت فلسطین خصوصاً و امت عرب و اسلام عموماً برمی انگیزد. به ادبیات و شعر مقاومت حیاتی دوباره می بخشد. توفیق زیاد، محمود درویش، راشد حسین، سمیح قاسم، فهد ابو قعدان، فتحی قاسم، خالد سعید، ادمون شحاده، حنا ابو حنا و گروهی دیگر، از سمبل های برجسته این نسل هستند.

۷- نماد و نمادگرایی در شعر مقاومت و معاصر ایران و عرب

به کارگیری نمادها و رمزها، یکی از برجستگی های ممتاز شعر معاصر ایران و عرب و خصوصاً شعر مقاومت بوده و می باشد. این ویژگی مهم یکی از عناصر اساسی شعر مقاومت معاصر ایران و عرب است که بسته به شرایط سیاسی و اجتماعی، گاهی صورت های بیانی آن در قالب های کنایی و استعاری بیشتری جلوه می کند و گاه بسته به شرایط سیاسی و اجتماعی و تاریخی و فرهنگی در اشکال بیانی ساده تر و روانتری خود را نشان داده است.

استفاده از اساطیر قدیم ایران و عرب، در این قبیل سروده ها در هر دو ادبیات فراوان به چشم می خورد، به گونه ای که رکنی از ارکان شعر مقاومت معاصر ایران و عرب گردیده است.

استفاده از نام پهلوانان و جوانمردان اسطوره ای و تاریخی ایران و عرب و گاه یونان، به ویژه قهرمانانی که خصیصه مبارزه جویی و تسلیم نا پذیری دارند. آنان که حتی در صورت شکست ظاهری هرگز تسلیم دشمن نمی شوند، از دیگر ممیزات این ادبیات است.

عمده نمادهای شعر معاصر عرب به ویژه شعر مقاومت، سند باد، ادونیس، حلاج، ایوب، صلاح الدین ایوبی، زرقاء الیمامه، امری القیس، عتیره، قصص دوران جاهلی، کلیب، یمامه دختر کلیب (نماد خون‌های به ناحق ریخته) و مواردی از این قبیل می‌باشند. هم چنین مهلهل: (نمادی برای شادی به زندگی و امید به آینده) مورد استفاده قرار گرفته است.

هم چنین از امام حسین (ع) و قیام سید الشهداء (شعرامل دُنُقُل مصری) به عنوان نماد مقاومت در شعر معاصر عرب استفاده می‌شود.

و حضرت یوسف (مظهر و نمادی از پایداری و مقاومت برای حفظ پاکدامنی) در شعر معاصر عرب استکه به کرات در شعر مقاومت معاصر عرب تکرار گردیده است.

نماد و نماد گرایی بنا به گفته چدویک، هنر بیان اندیشه‌ها و عواطف و احساسات به گونه غیر مستقیم یا از طریق اشاره به چگونگی وقوع آنهاست (چدویک ص ۱). شروع مکتب نمادگرایی ادبی در کشور فرانسه بوده و بعد از آن به دیگر مکان‌های دنیا از جمله اروپا و آمریکا گسترش یافت (همان).

در جهان معاصر عرب، جنبش سمبولیسم در شعر شاعرانی، نظیر، «بدرشاکر السیاب، صلاح عبدالصبور ادونیس، نازک ملائکه، عبدالوهاب البیاتی و سلیم برکات به خوبی قابل ملاحظه است» (رجائی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۴).

در ادبیات فارسی این مکتب در شعر نیما یوشیج، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری و... دیده می‌شود. به عنوان مثال: نمادهای شعر سیاب: ۱- آدونیس، سندباد، اورفیوس، ایکاروس که نماد نومیادی، یاس و بی‌قراری هستند، می‌باشد. (الستاب، ۱۹۹۶، ص ۱۷۴ و ۱۷۱).

و نماد هایی همچون، ادونیس، الیعازر، مسیح، نماد بهبودی اوضاع و شرایط هستند و مواردی همچون: اودیوب، اسیزیفیوس و دیگر اسطوره‌های یونانی، نماد فزون شدن رنج و عذاب هستند به عنوان مثال، نمادهای شعر نیما یوشیج، کک کی (گاو نر)، قفنوس، مرغ مجسمه، مرغ غم و... می‌باشند (حقوقی، ۱۳۸۴، ص ۲۴).

و به عنوان مثال: نمادهای، باران، شب و «روز» نماد های مشترک شعر سیاب و نیما یوشیج هستند.

همانطور که پیشتر بیان گردید، به کارگیری نمادین اساطیر تاریخی، مذهبی و اجتماعی مربوط به تاریخ یونان قدیم، ایران و عرب و اسلام، از ویژگی های برجسته

شعر مقاومت در جهان عرب معاصر است. البته به کارگیری این نمادها در شعرا ادب مقاومت ایران هم به گونه ای دیگر مطرح است. گرچه تا حدودی با یکدیگر متفاوت اند، ولی گاهی جنبه مشترک پیدا می کنند. از مهم ترین نمادهای به کار رفته در شعر مقاومت معاصر عرب می توان از نمادهایی همچون حلاج، سیزیف، ارفیئوس، تموز، ادونیس، ایشثار، سند باد، اولیس، ادیب، ایکاروس، پرومته، پنلویه، ابوالهول ایوب، هاییل، قابیل، خضر، شهریار، هرقل، مسیح، ایلعازر، سقراط و... غیره نام برد که هر کدام از آنها نماینده موضوع و مفهوم خاصی هستند که عموماً یا جنبه مثبت و سازنده دارند و یا جنبه منفی و مخرب.

به عنوان مثال نماد «جمیله بوخیرد» مظهر مقاومت مردم الجزایر در مقابل استعمار فرانسه در دوره معاصر است که فراوان در شعر شاعران مقاومت الجزایر به کار گرفته شده است.

البته هر کدام از این اسطوره ها به مکان و سرزمینی هم تعلق داشته اند، مثلاً "تموز و ایشثار بابلی بوده اند، اوزیرس مصری، ادونیس و فنیق، فنیقیایی هستند و پرومته، سیزیف، ادیب و ارفیئوس یونانی، مسیح و ایلعازر و یوحنا معمدان مسیحی و خضر و اسماعیل اسطوره های اسلامی و شهریار ایرانی می باشد. همانطور که بیان شد، هر کدام از آنها مظهر و نشانه ای از امور خیر و شر می باشند که در جای جای شعر مقاومت معاصر جهان عرب به کار گرفته شده اند که در این مختصر از ذکر نمونه ها و تحلیل آنها خودداری می گردد.

به طور کلی، دلالت های اسطوره در شعر امروز عرب در سه زمینه است:

۱- بیان پریشانی روحی و سرگردانی و گمگشتگی با به کارگیری از نماد آفاق نوردانی.

در این قلمرو غالباً از نمادهای اولیس، سندباد، ارفیئوس و ایکاروس استفاده شده است.

سمت و سوی حرکت نماد یا افقی و دایره ای است، شامل «اولیس و سندباد» و یا سمت و سوی آنها نزولی است، شامل «ارفیئوس» و یا صعودی «ایکاروس» و در هر حال، هر نماد بر اساس جهت حرکت آن بر حقیقتی انسانی دلالت دارد.

۲- بیان رستاخیز و نوزایی و باززایی، در این زمینه عمدتاً همان دلالت دیرین نمادها مطرح است و بیشتر تموز یا «ادونیس» و ادونیس و فنیق و مسیح و ایلعازر مورد توجه شاعران مقاومت معاصر عرب هستند.

۳- بیان درد و رنج انسان معاصر، در این خصوص نمادهای پرومته و سیزیف و مسیح به چشم می خورد (اسوار، ۱۳۸۱، ص ۴۲).

گاهی استفاده از شخصیت های تاریخی و حوادث تاریخی به شکل نمادین و به منظور دست یابی به اهداف خاص صورت می گیرد، استفاده از متنبی، سیف الدوله، کافور اخشیدی در شعر دنقل، به منظور مقایسه مسایل قرن چهارم با عصر معاصر صورت می گیرد: (متنبی = سمبل و نماد انسان متفکر و وطن پرست می باشد).

و کافور اخشیدی (سمبل و نماد حاکم نالایق و بی کفایت و ستمگر).

و سیف الدوله سمبل یک نجات بخش (اشعار امل دنقل، ص ۱۷۴).

و صلاح الدین (مظهر و نشانه مقاومت در مقابل اشغالگران صلیبی) می باشد.

اسپارتاکوس (۷۱ قبل از میلاد) رهبر عمده جنگ های بردگان علیه نظام برده داری روم و مظهر مقاومت و مبارزه علیه ظالم. در شعر امل دنقل با عنوان «کلمات، اسبار تاکوس الاخیره» اسپارتاکوس مظهر عصیان و نافرمانی و مقاومت علیه ظالم و فرمانده سپاه قیصر که اسپارتاکوس را شکست می دهد، مظهر شر و بدی است (شعر امل دنقل، ص ۱۴۸).

سیزیف: مظهر رنج و درد بشر و نمادی از ناتوانی انسان ها در برابر اراده حاکم شده بر آنهاست.

هاننیال: مظهر و نماد رهایی از ظلم و ستم است که با سپاهی اندک به نبرد با رومیان پرداخت (هاننیال حاکم غرناطه بوده است).

امل دنقل متوفای ۱۹۸۳ میلادی، شاعر فلسطین و از سمبل های شعر مقاومت در جهان عرب است. او دفترهای شعر فراوانی در این مقوله دارد، از جمله «العهد الاتی» و «مقتل القمر» و «البكاء بین یدی زرقاء الیمامة».

در دهه شصت میلادی، به دنبال شروع مقاومت مسلحانه فلسطین و جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، جریان شعر مقاومت در شکل جدیدی در جهان عرب پدیدار گردید و این جریان موجب شهرت عده زیادی از شاعران معاصر فلسطین و عرب شد. در فلسطین شاعرانی چون، معین بسیسو، فدوی طوقان، محمود درویش، عزالدین مناصره و سمیح القاسم جایگاه شایسته ای در شعر مقاومت پیدا کردند.

در این میان محمود درویش در شعر مقاومت خود به بلوغ فکری و هنری بی مانندی رسید و در میان شاعران غیر فلسطینی، افرادی مانند، ادونیس، خلیل حاوی، عبدالوهاب البیاتی، نزار قبانی سعدی یوسف، امل دنقل، محمد عقیفی، حسب

الشیخ جعفر، ممدوح عدوان، بدرشاكرالسیاب، توفیق صایغ، نازك ملائكه، بلند الحیدری، انسی الحاج، محمد الما غوط، احمد عبدالمعطی الحجازی، محمد الفیتوری، صلاح عبد الصبور، یوسف الخال، و امثال ایشان مطرح گردیدند.

و دیگران مانند: نذیر اعظمه، فواد رفقہ، ممدوح عدوان که سوری می باشند و حسب الشیخ جعفر، سامی مهدی، حمید سعید، عبد الرزاق عبد الواحد که این گروه عراقی هستند. و معین بسیسو، عزالدین مناصره، سمیح قاسم، سلمی الخضراء الجیوسی، فدوی طوفان که فلسطینی هستند. و شوقی ابو شقراء، عصام محفوظ، محمد علی شمس الدین، شوقی بزیه، که این گروه لبنانی هستند. و محمد عیفی، محمد ابراهیم ابوسنه که این گروه مصری هستند و از راج عمر از الجزایر و محی الدین فارس، جبلی عبدالرحمن، تاج السراز سودان و عمر بیس از مغرب، شایسته یادآوری هستند.

از سال ۱۹۴۸ به بعد، فلسطین، یکی از محورهای اساسی شعر مقاومت در جهان عرب است. شاعران معاصر عرب، تلاش نموده اند تا با به کارگیری، ابزارهای هنری و اسطوره‌ها شعر مقاومت را عمق بیشتری ببخشند.

اسطوره‌های به کار رفته در شعر مقاومت عرب در دوره معاصر، شامل اسطوره‌های گوناگونی از قبیل اسطوره‌های کهن عرب، از قبیل امری القیس، مسیح، هاجر، اسماعیل، کنعان و اسطوره‌های یونان قدیم، مثل: ادونیس، حورس می باشند.

شعر مقاومت فلسطین در نیمه نخست قرن بیستم، تحت تاثیر مکتب رومانیسیم بود و در ابتدا بیانگر فقر، ترس و ناامیدی ناشی از سلطه استعمار انگلیس و صهیونیسم جهانی بر فلسطین بود.

اما از دهه پنجاه به بعد و به خصوص بعد از سال ۱۹۴۸، شعر مقاومت عرب در خصوص قضیه فلسطین دچار تحول عمیقی گردید. در این دوره شاعران مقاومت جهان عرب، در تصویر آفرینی شعری خود از نشانه‌های اسطوره ای الهام می گیرند. این اسطوره‌ها به اساطیر تاریخی و دینی خود جهان عرب محدود نمی شود، بلکه شامل اساطیر جهانی و یونانی و ایرانی هم می شوند.

عزالدین مناصره متولد ۱۹۴۶ شهر «الخلیل» فلسطین، از سمبل‌های شعر مقاومت در جهان معاصر عرب است. او در شعر خود فراوان به میراث اساطیر قدیم عرب و یونان توجه نموده است. البته او توجه به اساطیر کهن عربی را بیشتر لحاظ نموده است.

در این میان شعر عزالدین مناصره همیشه از روح حماسی برخوردار است. او را شاعر تراژدی فلسطین نامیده اند، همانطور که امل دنقل را «شاعر تمرّد نام نهاده اند».

توجه به تمدن کنعان و اسطوره های مربوط به آن، جایگاه ویژه ای در شعر مقاومت عزالدین مناصره دارد. هدف او در به کارگیری اساطیر کنعانی دمیدن روح مقاومت در ملت فلسطین است.

استفاده از رمز و سمبل «امریء القیس» در شعر مناصره، تمثیلی است برای بیان حال مردم فلسطین (مناصره، ۱۹۹۸، ص ۱۷۴).

مسیح سمبل نجات بخش است (همان، ص ۷۵).

هاجر و اسماعیل: کوچ هاجر و اسماعیل به صحرا، برای یافتن آب، رمزی از مقاومت و تلاش برای رسیدن به هدف است برای فلسطینی های امروزی (همان، ص ۲۱۷).

هم چنین - اسطوره کنعان و داستان هاجر و اسماعیل، رمزی برای بیان قدمت و اصالت سرزمین فلسطین است (همان، ص ۴۱).

کاربرد اسطوره های یونان باستان در شعر معاصر عرب فراوان بوده است. این موضوع تا قبل از ۱۹۶۵ فراوان تر بود و شاعرانی چون، یوسف الخال، بدرشاكرالسیاب، عبدالوهاب الیاتی، خلیل حاوی و عزالدین مناصره از آنها فراوان استفاده می کردند.

اسطوره هایی مانند: آدونیس، ایشثار، سیزیف، حوروس و..... از این قبیل هستند.

آدونیس: اسطوره و نشانه حیات دوباره است که با سرسبزی و نشاط همراه است.

در اسطوره تموز «آدونیس» دوره ای از رخوت و سستی و انجماد بر همه چیز حاکم می شود و آدونیس به عالم سفلی می رود و زمانی که توسط «ایشثار» از عالم سفلی نجات می یابد و به سطح زمین بر می گردد، نشاط دوباره ظاهر می گردد.

حوروس: حکایتی است پیرامون روح شر و خیر یا همان روح خیر، روح شرّطی نبردی روح خیر یا همان «ایزیس» را شکست می دهد و جسد او را قطعه، قطعه می نماید.

همسر ایزیس بعد از شکست به فرزندش «حوروس» پناه می برد.

او حوروس را نزد مصریان در سرزمین دلتا می برد. تا به او تیراندازی بیاموزد و چون موسم نبرد با «ست» فرا می رسد، مصریان دور او جمع می شوند و او را با فریاد

«یا حوروس» به نبرد ادامه بده، تشویق می‌کنند. و سرانجام «حوروس» پیروز می‌گردد (رضوان ۱۹۹۹، ص ۱۱۸).

حوروس در شعر مناصره رمزی برای طفل فلسطین است که زاده خواهد شد و در نهایت، بر روح شر «ست» یا همان «صهیونیست» پیروز می‌گردد.

عزالدین مناصره این موضوع را در قصیده «یا بعیدا» مطرح می‌کند.

به هر حال، نمادها و اسطوره‌های به کار رفته در شعر مقاومت معاصر ایران و عرب از ویژگی‌های برجسته‌ای برخوردار هستند، ویژگی‌هایی که مشابه آن در دیگر دوره‌های ادبی این دو ادبیات کمتر به چشم می‌خورد. البته ادبیات فارسی تا حدود زیادی در این زمینه با ادبیات عربی متفاوت است. چرا که در ادبیات فارسی به یمن وجود آثار حماسی، همچون شاهنامه فردوسی، به کارگیری نمادها و اسطوره‌های مقاومت در اوج است. البته این هم مربوط به یک دوره خاص است نه همه دوره‌ها، اما در دوره معاصر، به دلیل تنگ‌تر شدن حلقه ارتباطی ملل جهان، به ویژه ملل همجوار از جمله ملت‌های ایرانی و عرب و به دلیل وجود مسایل مشترک، به کارگیری اساطیر به عنوان نمادها و رمزهای مقاومت ملت‌ها در شعر و ادب این دو ملت جنبه حیرت‌انگیزی پیدا کرده است که در هیچ دوره‌ای از ادوار ادبی آنها، به این گونه برجسته و شاخص نبوده است.

۸- نتیجه

از مجموعه گفتار فوق نتایج ذیل حاصل گردیده است:

- ۱- ادبیات مقاومت، یک گونه مهم ادبی است که از آغاز حرکت ادبی در دو ادبیات ایران و عرب شکل گرفته و در هر دوره با فراز و نشیب‌های فراوان مواجه گردیده است، اما در هر حال وجود و حضور و بروزی فعال و پویا داشته است.
- ۲- شعر و ادب مقاومت، بسته به ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی، در هر دوره و برهه‌ای از زمان مطابق با شرایط و احوال همان زمان در قالب‌های گوناگون در شعر و نثر بزرگان دو ادب جلوه گر شده است و حتی گاه در قالب ادبیات عرفانی و صوفیانه جلوه نموده است.
- ۳- ادبیات معاصر جهان عموماً و ادبیات معاصر ایران و عرب خصوصاً، بنا به دلایل عدیده تاریخی، سیاسی و اجتماعی آکنده از روح مقاومت

است، به گونه ای که ادبیات مقاومت به عنوان یک ادبیات خاص و برخوردار از جایگاه خاص را می توان در ادبیات معاصر ایران و عرب مشاهده نمود. به عبارت دیگر، اگر بخواهیم از ادبیات مقاومت به عنوان یک اصطلاح علمی جدید، با تعریف خاص نام ببریم، این عنوان و تعریف مدیون ادبیات معاصر است، چه در فارسی و چه در عربی و چه در ادبیات دیگر ملت ها از جمله ملل آمریکای لاتین.

۴- اساطیر و نماد های کهن، شخصیت های تاریخی و مذهبی ایران، عرب، یونان و اسلام جایگاه ویژه ای در ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب دارند، هر کدام نماد و رمزی برای موردی خاص هستند که عناصر مهم شعر مقاومت را تشکیل می دهند.

کتابنامه

- ۱- احمد، صالح، **ادب المقاومة**، مصر، (۲۰۰۳).
- ۲- اسکندری، احمد و دیگران، **المنتخب فی ادب العرب**، قاهره، مکتبه اسلامیة، (۱۹۵۱).
- ۳- اسوار، موسی، **پیشگامان شعر امروز عرب**، تهران، نشر سخن، چاپ اول، (۱۳۸۱).
- ۴- بزرگ علوی، **تاریخ ادبیات معاصر ایران** (ترجمه سعید فیروزآبادی) نشر جامی، چاپ اول، (۱۳۸۶).
- ۵- چدویک، **چارلز ترجمه مهدی شهابی**، تهران، مرکز نشر، چاپ چهارم، (۱۳۸۵).
- ۶- حقوقی، محمد، **شعر زمان**، تهران، انتشارات نگاه، چاپ ششم، (۱۳۸۴).
- ۷- ده بزرگی، غلامحسین، **ادبیات معاصر ایران**، تهران، انتشارات زوار، چاپ دوم، (۱۳۸۶).
- ۸- دنقل، امل، **دیوان بیروت**، دارالفکر، چاپ سوم، (۱۹۹۷).
- ۹- رجائی، نجمه، **آشنایی با نقد ادبی معاصر عرب**، مشهد، دانشگاه فردوسی، چاپ اول، (۱۳۸۷).
- ۱۰- روزبه، محمدرضا، **ادبیات معاصر ایران** (نشر) نشر روزگار، چاپ سوم، (۱۳۸۷).
- ۱۱- روزبه، محمدرضا، **ادبیات معاصر ایران** (شعر) نشر روزگار، چاپ سوم، (۱۳۸۶).
- ۱۲- بدر شاکر، السیاب، **دیوان بیروت**، دارالجیل، چاپ سوم، (۱۹۹۶).
- ۱۳- سید نجم، **"ادب المقاومة"**، مصر، (۲۰۰۵).

- ۱۴- فاخوری، الحنا، الجامع فی تاریخ الادب العربی الحدیث، منشورات ذوی القربی چاپ سوم، (۱۳۸۵).
- ۱۵- فاخوری، الحنا، الجامع فی تاریخ الادب العربی القدیم، منشورات ذوی القربی چاپ سوم، (۱۳۸۵).
- ۱۶- مناصره، عزالدین، دیوان اشعار، بیروت، دارالجلیل، چاپ سوم، (۱۹۹۸).